

باسمه تعالی

شخصیت شهید سلیمانی با رویکرد مؤلفه‌های اخلاق فردی

چکیده

در شکلگیری و اثرگذاری شخصیت‌های کم‌نظیری چون حاج قاسم سلیمانی، مؤلفه‌های بسیاری تأثیرگذار بوده و نقش آفرینی کرده‌اند و چنین انسانی مجموعه‌ای از خصایص نیکو را شکل داده‌اند. هدف از انجام این پژوهش و کار تحقیقی، دریافت مؤلفه‌های اخلاق فردی از شخصیت سردار سلیمانی بوده است. روش به کار گرفته شده در انجام این مقاله توصیفی، تاریخی است که به شیوه کتابخانه‌ای به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته‌است. پژوهش حاضر با توجه به مطالعه و جست و جو و تحقیق در این حوزه به مؤلفه‌های اخلاقی بسیاری در شخصیت فردی سردار سلیمانی دست یافته است که به طور مثال میتوان به اخلاص، ایمان، عمل صالح، توکل، ساده زیستی، توسل به اهل بیت (ع) و... اشاره کرد که با جمع بندی و حضور چنین عواملی این شخصیت عظیم به چنین مرحله معرفتی و شهرت جهانی به همراه محبوبیتی بینالمللی دست یافته است که بدون حضور مؤلفه‌های اخلاق فردی این اثرگذاری و نقش آفرینی غیرممکن بود.

کلیدواژه: شخصیت، اخلاق فردی، سردار سلیمانی، مؤلفه‌ها

1. مقدمه

با واقعه شهادت سردار دلها حاج قاسم سلیمانی، بسیاری از نگاهها و بررسیهای محققان حول محور شخصیت این بزرگوار شکل گرفت که انصافاً احتیاج زمان و زمانه ما بود. نگارندگان نیز به جستجو در باب شخصیت سردار سلیمانی به مباحثی مشغول شدند و کند و کاوی در این خصوص نموده‌اند اما آنچه بیشتر از همه در مباحث و پژوهشهای مختلف مطرح گردیده بود نگاهی کلی به سیره، روش و سبک زندگی و جهت‌گیریهای مختلف شخصیتی ایشان در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، شخصی و ... بود و تحقیقی که به طور اختصاصی به بحثی در یک باب بپردازد کمتر دیده شد. بزرگی و کرامت و عزتمندی این فرمانده شجاع بیش از این که در دوران حیاتش جلوه کند بر ما مستور بود چرا که خود سردار علاقهای به آشکار نمودن عقاید شخصی و شخصیتی خویش نداشتند. مؤلفهای بسیاری در تبیین شخصیت و شکلگیری اخلاق انقلابی این بزرگمرد وجود داشته اما چون نگارندگان بنا به دلیل نیاز جامعه آموزش و پرورش و مباحث تربیتی روزگار مشتاق دریافت معیارها و مؤلفهای شخصیت فردی سردار سلیمانی بوده‌اند تا بتوانند هم از خصوصیات ویژه این مرد بزرگ که تربیت یافته اسلام و انقلاب بوده بهره‌برداری کنند و هم انشاءالله الگویی برای خودسازی هر شخص و حتی هر مربی در معطوف کردن متربی به این مؤلفها باشد. مسأله نگارندگان در این پژوهش دریافت عناصری است که در تبیین شخصیت اخلاق فردی حاج قاسم سلیمانی وجود داشته و به دنبال دریافت آنان به انجام این پژوهش روی آورده‌اند.

از بُعد نظری، دانستن و خواندن مؤلفهای اخلاق فردی چنین افراد اثرگذاری در رفتار و کردار انسانها در هر جامعهای چه اسلامی و چه غیراسلامی نمودی اندیشمندانه خواهد داشت و هر انسانی با کسب آگاهی از چنین فضایی شایسته و مرید چنین شخصی خواهد شد و حداقل موجب واداشتن آدمی به تفکر در این باب خواهد بود.

اما در بُعد عملی برای آدمی تغییری در اندیشهها و آگاهیها به وجود آورده و چه بسا به مرحله عمل در خواهد آمد. با مطالعه و به کار بستن اخلاق فردی حاج قاسم و الگوپذیری از چنین خصلتهایی به اهداف یک جامعه انسانی که رشد و تعالی انسانهای خردمند و مؤثر است دست خواهیم یافت و به تدریج نسل تربیت یافته از مکتب سردار سلیمانی شکل خواهد گرفت که منشأ آن اسلام و انقلاب خواهد بود. محققین بسیاری در باب شخصیت جهادی،

فرماندهی، اخلاق سیاسی، اجتماعی و فردی ایشان به پژوهش و تحقیق پرداخته‌اند و کتب متنوعی در قالب مصاحبه‌ها از زندگینامه این سردار شهید تهیه و تدوین شده که در این مقاله سعی شده با نگاهی تفکیک شده و تخصصی به بحث مؤلفه‌های اخلاق فردی از مجموعه مبانی شخصیت شهید قاسم سلیمانی پرداخته شود که انشاءالله مورد استفاده همه علاقمندان حوزه اسلامی، تربیتی و ... قرار گیرد.

2. شخصیت

شخصیت از جمله واژه‌های پرکاربرد است که گرایش‌های گوناگون در فلسفه، روانشناسی، اخلاق و ... دارای معنای متفاوتی است. علت آن را باید در نگاه‌های متفاوت اندیشمندان به ماهیت انسان دانست که هر یک از آنها از دید خود شخصیت را بررسی نموده و در مورد آن نظریه داده‌اند. به عبارت دیگر میتوان گفت که تعریف شخصیت بستگی به نوع نظریه آن دانشمندان در مورد ساختار و ماهیت انسان دارد. (حمله داری نجف آبادی، 1397، ص 9) آنچه در این تحقیق مد نظر است حیطه اخلاقی شخصیت است که به معنای مجموعه‌های از خصایص نفسانی معمولاً ثابت افراد در اندیشه، گفتار و کردار او است.

این خصایص به طور معمول تافتهای از عناصر انگیزشی، عاطفی و باورها هستند که آدمی میتواند آنها را در خود پیرورد. در اخلاق فضیلت بنیاد سیرت، مفهومی اساسی است و موضوع اولیه اخلاق تلقی میشود. به اعتبار، درستی و نادرستی یا خوبی و بدی اولاً و اساساً به سیرت تعلق میگیرد و ثانياً و بالعرض به اعمالی که از سیرت صادر میشود. همچنین شخصیت، بیانگر آن دسته از ویژگیهای فرد یا افراد است که شامل الگوهای فکری، عاطفی و رفتاری آنها است. (همان)

3. اخلاق

اخلاق در تعریف به معنای دانش نیک و بد خوی و منش، به عبارتی همان تدبیر انسان در مورد نفس خویش یا یک تن خاص دیگر است. (دهخدا، 1377) این واژه در اصطلاح، دارای دو معنای توصیفی هنجاری است. مد نظر در اینجا معنای هنجاری است که دارای بار ارزش گذارانه است به این معنا که از اخلاقی بودن یا اخلاقی نبودن اعمال سخن میگوید. (حمله وری نجف آبادی به نقل از مسعود علیا، ص 9)

به عبارت دیگر اخلاق جمع خُلق است که به نیروها و سرشتهایی اختصاص یافته که با بینش درک میگردند ولی در اصطلاح علم اخلاق مراد از این کلمه

و اخلاقیات، معنای عام آن است که به افعال، اقوال و افکار صادره از این صفات اطلاق میشود. خواه این صفات، فضیلت باشند خواه رذیلت. (حمله وری نجف آبادی به نقل از مظاهری، 1383)

1-3. اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی

بیشک اصلیتین عنصر هر انسانی، اخلاق فردی است. خوبی و بدیهای زندگی در آنجا که اختصاص به فرد دارد، اخلاق فردی خوانده میشود. اعمال فرد انسانی اگر از این منظر بررسی شود که توسط یک فرد از آحاد و از طریق مکانیسمهای روانی و درونی شکل میگیرد در حوزه فردی بررسی شده است. در اخلاق فردی تنظیم رفتار فرد براساس خوبی و بدی ملاک خواهد بود. بعضی معتقدند که میتوان افعال انسانی را یا در نسبت با خود در نظر گرفت و یا در نسبت با غیر و این تقسیم دوم یا در رابطه با موجودات محدود و فناپذیر خواهند بود و یا موجودات نامحدود و فنا ناپذیر. در این تعریف انسان علاوه بر آگاهی از بدن خود نسبت به احوال و افعال خویش نیز آگاه است. انسان به اراده، شادمانی، اندوه و دیگر احوال خود، آگاه است و هیچ یک از احوال و آفات او، بدن او نیستند، از این رو اخلاق فردی به آگاهی فرد به احوال درونی خود مربوط است. (محمدی، 1398، ص33) یکی از نظریه پردازان حوزه اخلاق معتقد است که: «اخلاق فردی بخشی از اخلاق است که ناظر به تنظیم رابطه فرد با خود و خدای خود است. ابوالقاسم فنایی در مقابل، اخلاق اجتماعی را «آن بخش از اخلاق میداند که ناظر به روابط اجتماعی و مسؤول تنظیم این روابط است.» فنایی برآن است که از مهمترین تفاوتهای مهم فرهنگ اسلامی و غرب را میتوان در طرز تلقی آن دو از اخلاق یافت. «اخلاق فردی اولاً و بالذات به رفتار بیرونی فرد که تجلی و ظهور ملکات درونی اوست کاری ندارد. از نظر اخلاق فردی «شجاعت»، «سخاوت» و «عدالت» و ... همه از آن نظر که اوصاف روانی-اند، باارزش محسوب میشوند. عدالت در اخلاق فردی به معنای تعادل برقرار کردن بین قوا و ابعاد مختلف وجود فرد است، نه به معنای ادا کردن حقوق دیگران و لذت با صرف نظر از رابطه که با دیگران دارند، ممکن است واجد این اوصاف باشد. (علیقلی، 1392)

4. مؤلفه‌های اخلاق فردی در شخصیت شهید سلیمانی

با مطالعه در زندگینامه شهید حاج قاسم سلیمانی و تأثیر عظیم او در جوامع بشری به مؤلفههایی در اخلاق فردی ایشان دست مییابیم که نقش اساسی در تحول و ساخت شخصیت کم نظیر ایشان داشته است. در اینجا به برخی از این مؤلفههای اخلاق فردی ایشان و تحلیل آنها پرداخته میشود. با توجه به توضیحاتی که در قسمتهای قبل راجع به اخلاق فردی بیان شد و اخلاق فردی را در رابطه با خود و خدا تفسیر نموده است به شرح مؤلفههای

اخلاقی زیر در شخصیت شهید سلیمانی اشاره میشود که این خودسازی در حیطة اخلاق فردی قطعاً در حیطة اخلاق اجتماعی مؤثر خواهد بود:

4-1. اخلاص

یکی از مؤلفه‌های اخلاقی انسان دیندار، به خصوص راهبران و اثرگذاران در جوامع اسلامی، اخلاص و بیریا بودن است. آنجا که بیهیج چشم داشتی از انسانها و فقط محض رضای پروردگار شروع به فعالیت میکنی و توقعی غیرالهی نداری. بعضاً معاملهای است با پروردگار که تمام امور خویش را به او واگذار کرده و چه در حضور مردم و چه در غیابشان نگاهی مخلصانه و پایدار به نیات و اعمال خود داری. حقیقت این است که برداشتها و مفاهیم برخی از آیات قرآن در خصوص اخلاص متذکر این نکته است که خدای متعال مرگ و حیات را خلق نکرده مگر برای آزمایش انسانها تا مشخص شود چه کسانی بهترین عمل و خالصترین نیت را دارند. (ملک/2)

شهید سلیمانی به شدت از ریا پرهیز میکرد. در طریق اخلاص ثابت قدم بود. تا زنده بود نگذاشت حرفی از خودش باشد؛ هیچوقت. گاهی مثل یک انسان عادی بدون اینکه کسی باخبر شود در جلساتی که شرکت میکرد اجازه اطلاع رسانی نمیداد. به نزدیکانش نیز با تأکید سفارش به اخلاص می-کرد. در آزادسازی بوکمال و شکست داعش، او که فرمانده این عملیات بود به عنوان یک سرباز و به نمایندگی از همه مجاهدان به ملت ایران تبریک گفت. همین اخلاص باعث شد در طول زندگی و پس از آن محبوب دلهای مردم ایران و جهان باشد، زیرا که هر که رابطه خدا را با خود اصلاح کند، خدا بین او و مردم را اصلاح خواهد کرد و دیده‌های همگان را متوجه او خواهد ساخت. (زمردیان، کیانی، شمشانی، 1399، ص1325)

4-2. توکل

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در اخلاق فردی سردار دلهای میتوان یافت، آرامش دل و جان ایشان بود که جز با توکل میسر نبود. توکلی که در راهی که میپیمود همراه همیشگی او بود و او را از حرکت و تلاش منع نمیکرد. در حقیقت توکل واگذاری کار به دیگری و انتخاب او به وکالت است ولی مفهوم توکل این نیست که دست از تلاش و کوشش بردارد بلکه مفهوم آن این است که هرگاه نهایت کار و کوشش خود را به کار برد و نتوانست مشکل را حل کند وحشتی به خود راه ندهد و با اتکا به لطف پروردگار و استمداد از ذات پاک و قدرت بیپایان او ایستادگی به خرج دهد و به جهاد پیگیر خود همچنان ادامه دهد. (مکارمشیرازی، ۱۳۷۷، ج2، ص309)

وقتی انسان از همه چیز و همه کس نا امید و مأیوس میشود و دست نیازش را به سوی واجب الوجود دراز کند و بداند که مخلوقات هم هرچه دارند از این معبود یگانه دارند و اگر او نخواهد اثر در اسباب پدید نیاید به معنی حقیقت توکل دست یافته است و در این حالت میتواند آثار توکل را در زندگی خود مشاهده کند که از مهم ترین آنها عزت و بی نیازی از خلق است. احساس سربلندی و پیروزی در برابر مشکلات را در خود مشاهده می-کند و آرامش و اطمینان را با مراتب عالی به دست خواهد آورد. (کمیل مهدی، 1399، شماره 11، ص 21-1)

با توجه به استدالات فوق و مشخصات انسانی که به خدای متعال توکل میکند به راحتی میتوان حقیقت توکل را با تصور سیمای شهید حاج قاسم دریافت.

به واقع سردار دلها، هم مرد خدا و هم هنرمندی بینظیر بود. لحظه لحظه زندگیش با هنر خدانشناسی و حضور در محضر پروردگار گذشت. رفتارهایش سخنانش و عملکردش، گویای این هنرمندی بی بدیل او بود. او صادق الوعد بود و هیچگاه وعدهای نداد که به آن عمل نکند؛ چنانکه مردم نیز دیدند که وقتی وعدهای میداد، تا میتوانست عمل میکرد و حرفش را در قالب عمل به نیکی بیان مینمود. (رضاییان، 1399، نشریه ره توشه، شماره 38، ص 289-277) و این خود نشانه یک پشت گرمی و امداد طلبی و توکل به پروردگار عالمیان بود.

3-4. سکوت ممدوح و عمل براساس دانایی

انسانهای اثرگذار و عامل همواره اهل سکوت هستند و اگر چه آگاهیها و داناییهای لازم را در امور مختلف دارند ولی تا حد امکان سکوت کرده و به دانایی خویش عمل میکنند و کمتر اهل سخنرانی و شعار دادن هستند. از جلوههای زندگی و خصوصیات رفتاری حاج قاسم که معروف به مرد میدان بود و کمتر در رسانهها و انذار عمومی، برنامهها و... حاضر میشد، میتوان به چنین ادعایی صحه گذاشت که ایشان مرد عمل بود نه اهل حرف زدن. سکوت او علت همین گمنامی او در زمان حیاتش بود. آنجا که رهبر انقلاب فرمودند: "آدم گاهی اوقات میخواست بداند یا استشهاد کند، باید میگشت تا او را پیدا میکرد؛ خودش را جلوی چشم قرار نمیداد، تظاهر نمیکرد." (سخنرانی مقام معظم رهبری، دیدار با مردم قم، دی 98)

اینکه به جای حرف زدنهای بیفایده، براساس دانایی عمل میکرد و او را مرد میدان عمل نامیدهاند، در کلام مقام معظم رهبری بهتر خود را نشان

میده‌د که فرمودند: "او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذرانید. شهادت پاداش تلاش بیوقفه او در همه این سالیان بود." (پیام رهبری به مناسبت شهادت سردار سلیمانی، 13 دی 98)

4-4. شهادت طلبی و دنیاگریزی

سردار سلیمانی به استقبال مرگ و شهادت میرفت و خود را نامزد گلوله‌ها میدانست و به عبارتی در جستجوی شهادت بود. او کسی نبود که مرگ به سراغش رفته باشد بلکه خود به دنبالش بود. دنیاگریزی و یادآوری مرگ و آخرت در اعمال و رفتار و کردارش کاملاً مشهود بود.

وی در طول دوران دفاع مقدس، با لشکر تحت امر خود در عملیاتهای زیادی از جمله، والفجر ۸، کربلای ۴، کربلای ۵، تک شلمچه و مرصاد حضور موثر داشت. لشکر ۴۱ ثارالله را باید جزو لشکرهای خطشکن سپاه در سالهای دفاع مقدس نامید که نیروهای آن نقش به سزایی در عملیاتهای بزرگی مثل والفجر ۸، کربلای ۵ و... داشتند. جنگ که تمام شد، قاسم به کرمان برگشت. میتوانست مثل بعضی دیگر، پوتین را در بیاورد و برود پشت میز. سلیمانی اما آدم نشستن نبود. او حال به عنوان فرمانده سپاه ثارالله به کرمان برگشته بود. آن زمان، اشرار و قاچاقچیان در مرزهای شرقی فعالیت بسیاری داشتند و امنیت را از شهرها و مناطق مرزی گرفته بودند. حاج قاسم نقشههایی را برای مقابله با این گروهها طراحی کرد تا امنیت به منطقه بازگردد. اگر برای بسیاری از همزمان قاسم سلیمانی، جنگ در تابستان سال 1367 به پایان رسید ولی برای او آغاز دوران جدیدی در میادین نبرد بود. با پایان یافتن بحران در جنوب شرق، طالبان در افغانستان قدرت گرفت و علاوه بر مرزها، ناامنی از سمت شرق دوباره به سمت خاک ایران آمد. سردار سلیمانی هم که تجربه موفق کنترل مرزهای شرقی و مبارزه با اشرار را در کارنامه‌اش داشت، بهترین گزینه برای پایان دادن به قائله طالبان بود. سردار قاسم سلیمانی در سال 1376 از طرف مقام معظم رهبری، به فرماندهی سپاه قدس منصوب شد. تابستان سال 1385، رژیم صهیونیستی به لبنان حمله کرد حاج قاسم به عنوان فرمانده نیروی قدس خیلی زود خود را به لبنان رساند تا از آنجا فرماندهی عملیات جبهه مقاومت را به عهده داشته باشد. او در کنار عماد مغنیه و سید حسن نصرالله روزهای بسیار سختی را گذراند، اما در نهایت موفق شد بار دیگر اسرائیل و آمریکا را شکست دهد. قاسم سلیمانی در 4 بهمن سال ۱۳۸۹ با حکم حضرت آیت الله خامنه ای فرمانده

معظم کل قوا با یک درجه ارتقا به درجه سرلشکری نائل آمد، اما هنوز هم در افکار عمومی همه او را حاج قاسم میخواندند. با توطئه جدید غرب و پشتیبانی مالی کشورهایمانند عربستان سعودی، که به شکل گیری گروهکهای تروریستی تکفیری اعم از داعش و جبهه النصره در منطقه انجامید. قاسم سلیمانی ماموریتی تازه یافت و آن هم مقابله با این تهدیدات در دو کشور عراق و سوریه بود. شهید سلیمانی با کمک شهیدان، همدانی و تقوی، در عراق "حشد الشعبی" و در سوریه بسیج مردمی "قوات دفاع وطنی" را شکل داد و با کمک آنها و هدایت و مشاوره نیروی قدس سپاه، طی ۶ سال، بساط تروریستها در این دو کشور تقریباً جمع شد. (موسوی، سید محمد، ۱۳۹۸، نشریه مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۱۵، ص ۷۸-۷۹) این شواهد تنها دالهی ظاهری و کمی از نشانههای شهادت طلبی و دنیاگریزی سردار سلیمانی را نشان میدهد. ایشان در افکار و اندیشههای خویش نیز همواره به دنبال رفتار و اخلاق شهادت و شهادت دوستی و شهادتطلبی بود. با ملاقاتی که با خانوادههای شهدای مدافع حرم و شهدای دفاع مقدس داشت به زندگی شهادت گونه تأکید و ترویج داشت.

4-5. خوشرویی و خوش خلقی

اسلام پیامبرش(ص) را با حسن خلق و مکارم اخلاقی پسندیده برای تبلیغ دین تجهیز میکند و از پیامبر میخواهد تا نرمخویی را در اولویت خصایص اخلاقی خویش قرار دهد. یکی از عوامل جذب انسانها و تأثیرگذاری بر دیگران همین عامل نرمخویی و خوش خلقی است که بیشتر از بحث و جدل دیگران را مجذوب میکند. یکی از رسالتهای دین اسلام و تبلیغ پیامبر اسلام(ص) نیز به این وسیله بوده است. سردار سلیمانی که تربیت شده مکتب اسلام و سیره اهل بیت(ع) بود با نشانههایی از مردمی بودن و روحیههای مهربانانه و پدران را در خود داشت و در هر جمعی که وارد میشد، معصومیتی لطیف در نگاهش به چشم میآمد. هر چند که نگاه تیزبینانه او در مقابل استکبار با شجاعت و پرنفوذ بود و برکسی پوشیده نیست که نگاه پرهیبتی در مقابل دشمنان اسلام داشت ولی بالعکس در مقابل دوستان، محبین و خانوادههای شهدا، ملتهای مظلوم، هموطنان خویش و خانواده خودش بسیار خاشع و رؤوف بود و از لطافت کلام و نرمی زبان خاص خودش برخوردار بود که بیشباهت به اولیای الهی نبود.

روابط اجتماعی بدون نرمخویی و مدارا چنان سخت است که گویا چرخ دندهایی بدون ماده تسهیل کننده در حرکت باشند. نشانه جامعه سالم آن

است که کرامت افراد در همه جنبه‌های زندگی حفظ شود و هیچکس به هیچ بهانه‌ای حرمت انسانها را نشکند و کرامتشان را پایمال نکند. (دلشادتهرانی، 1394، ص 45 و 67)

شهید سلیمانی در برخورد با گروههای مختلف از نیروهای تحت فرمانش تا جوانان جامعه امروز و تا آحاد ملت ایران، با تکریم و احترام و مهر و عشق رفتار میکرد و سخن میگفت. او به واقع یک انسان خوشخو و خوش رو و دوستداشتنی بود و به همان میزان که در برابر دشمن با صلابت بود در مقابل آحاد مردم متواضع و فروتن بود. او در حالیکه یک فرمانده ارشد نظامی بود در مکاتبات خود با نیروهایش با رفاقت و صمیمیت قلم میزد. (زمردیان، شمخانی، کیانی 1398، ص 47)

4-6. عزت نفس

یکی از معیارهای اخلاقی مؤثر در رشد فردی، اجتماعی و همه جانبه انسانها باور به تواناییهای خویش و ارزشهای وجودی خویش است. عزت نفس عنصری است که آدمی را از سستی و بیحالی خارج کرده و انسانی مؤثر برای جامعه میسازد. به اعتقاد بسیاری از روانشناسان حوزه تعلیم و تربیت، انسانهایی که از عزت نفس بالاتری برخوردارند، در تصمیمگیریها به خصوص تصمیمات بزرگ بسیار ممتاز عمل میکنند، حتی اگر از امکانات محدودی برخوردار باشند. درمورد مؤلفه عزت نفس در خصایص اخلاق فردی سردار قاسم سلیمانی این نکته بسیار مشهود است که ایشان نه تنها خودشان به ارزشهای درونی خویش باور و اعتماد داشتند بلکه سربازان و فرزندان شهدا و سایر آحاد ملت را به اعتماد به نفس و عزت نفس دعوت میکردند و این خودشناسی را در همه انسانها تبلیغ میکردند. در این جا برای مثال به نوشتههای منسوب به ایشان اشاره خواهد شد.

اوایل سال 2008 میلادی، سلیمانی از طریق ارسال پیامی به گوشی همراه شخصی جلال طالبانی پیامی آمرانه خطاب به ژنرال دیوید پترائوس فرمانده ائتلاف تحت رهبری آمریکا و عالی رتبهترین مقام وقت آمریکا در عراق داد و نوشت: "ژنرال پترائوس عزیز! بهتر است بدانید که من، قاسم سلیمانی، سیاست ایران در باره عراق، سوریه، لبنان، غزه و افغانستان را کنترل میکنم و واقعیت این است که سفیر ایران در بغداد، یکی از اعضای نیروی قدس است. فردی که جایگزین او خواهد شد هم عضو نیروی قدس است." (رضایان به نقل از خبرگزاری دانشجویان ایران، 1397، ص 45)

4-7. توسل به سیره اهل بیت (ع)

از جمله خصائص انسانهای بزرگ و عارفان و اولیای الهی، عشق و ارادت به ساحت مقدس ائمه اطهار(ع) است. بیدلیل نبوده که رسول گرامی(ص) اسلام، اجر سالهای سختی و مشقت تبلیغ دین اسلام را مودت و دوستی با اهل بیت(ع) اطهار و ابراز میکند که نتایج دوستی و پیروی از این اولاد رسول(ع)، چیزی جز سربلندی و سعادت نخواهد بود.

شهید سلیمانی، شخصیتی داشت که جامع اضداد بود که از یک سو به مجاهدت و جنگ و ستیز با دشمنان خدا و اهل بیت(ع)، جلوههای حماسه را به تصویر میکشید و از سوی دیگر با معرفت به اهل بیت(ع)، از عمق جان شیفته و دلدادۀ خاندان عصمت و طهارت بود. اعتقاد و ارادت و عشق به خاندان رسالت، چنان در اعماق وجودش رسوخ کرده بود که هرگاه گرهی در کار ایجاد میشد، به آن اختران تابناک امامت و ولایت به ویژه مادر سادات حضرت زهرا(س) متوسل میشدند؛ چنانکه نقل شده است، هر وقت در جبهه برای حاج قاسم مشکلی پیش میآمد، میگفت بگردید روضه خوانی پیدا کنید که با نام فاطمه گره ما را باز کند. مجلس عزای حسینی و روضۀ فاطمیه برپا میکرد و خانهاش، میزبان عزاداران حضرت زهرا(س) بود. پس از سالها زندگی در خانهای محقر، بیت الزهرا(س) کنونی در خیابان شهید رجایی را خرید و اوایل، مراسم عزاداری را در حیاط خانه برپا میکرد. پس از چندی توانست خانه کناری آن را نیز خریداری کند، محل عزاداری را توسعه دهد و آن را به بیت الزهرا(س) نامگذاری کند. پس از اعزام برای مأموریت به تهران، بیت الزهرا(س) را وقف عزاداران اهل بیت(ع) کرد. خدمت در مجلس روضه برایش افتخاری بزرگ بود. یکی از نزدیکانش دربارهٔ اخلاص و خادمی ایشان در مجالس عزاداری اهل بیت(ع) میگوید کارگر گرفته بودیم و فرستاده بودیم بروند سرویسهای بهداشتی را نظافت کنند، حاجی آمد توی بیت الزهرا(س) مستقیم رفت طبقۀ پایین پیششان، نگذاشت کارگرها دست بزنند. قدغن کرد حتی خود من را. گفت همه برین بیرون نگذار کسی بیاد. در را بست و خودش ماند تنها. شیلنگ گرفت و همه جا را شست. 45 دقیقه، یک ساعت بعد آمد و نشست. یک نفس راحت کشید و گفت: "آخیش، منم تونستم به عزاداران حضرت زهرا(س) یه خدمتی بکنم." کار زیاد بود، حاجی اما سختترین را انتخاب کرده بود، سختترین و بیرباترین راه. (نادم به نقل از جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰، سلیمانی عزیز، ۲۵۵)

ایشان معتقد بود شهدا، پرورش یافته مکتب امام خمینی و عاشورا هستند. ایران را کشوری حسینی میدانست که باید الگوی همه جهانیان باشد. در دست نوشته‌های به این نکته چنین اشاره کرده است: "کشوری که در قلب، اسم حسین را دارد، فرهنگ عاشورا را دارد، باید در زیست و فرهنگ، الگوی جهان شود. (خبرگزاری تحلیلی ایرنا دست نوشته تازه منتشر شده شهید سلیمانی در رابطه با محرم، 31/05/1399؛ کد خبر 1423966)

علاقه ایشان به ائمه اطهار(ع) به مجموع تفکرات ایشان و جهتمندی و تعیین اهداف بلند پایهای چون ظهور ولیعصر(عج) بود و محدود به امور ظاهری و کلامی نمیشد و همواره حرکت انقلابی خویش را در راستای انقلاب مهدی موعود(عج) قرار میداد و معتقد بود که منتظر بیعمل و منفعل باقی نماند و باید زمینه ساز حضرت ولیعصر(عج) باشیم و مقدمات ظهور مولایمان را فراهم کنیم.

4-8. تقوا، ایمان و عمل صالح

امروزه عالمان و جامعه شناسان برای محبوبیت، عوامل متعددی را می-شمارند مثل: زیبایی، هنر، قدرت و... ولی قرآن میفرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم/96) "مسلمانانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند رحمان محبتی برای آن ها در دل ها قرار می دهد." سردار، سراسر وجودش ایمان و عشق الهی بود. (حسینی، 1399، راز محبوبیت و جهانی شدن سردار قاسم سلیمانی، نشریه مبلغان، شماره 259، ص 63)

سردار سپهبد شهید سلیمانی، نمونه عینی انسان مؤمن به خدا بود که تمام ویژگی‌های مؤمن را می‌توان در او یافت.

داشتن زندگی هدفمند، خشوع در نماز، امانتداری، وفادار به پیمان، توکل به خدا، پناه دادن به دیگران و یاری کردن مردان خدا، پاکدستی و اطاعت از خدا و رسول و نپذیرفتن ولایت کافران، جهاد با مال و جان، در برابر کافران سخت و در برابر یکدیگر مهربان و حکم کردن به عدالت را میتوان در جزء به جزء زندگی این شهید عزیز مشاهده کرد. ایمان به خدا بود که او را شجاعانه تا خط مقدم نبرد با داعش میبرد، بیآنکه ذرهای ترس یا تردید به خود راه دهد. امروز بهتر و بیشتر مفهوم این فرمایش امام خمینی(ره) رادرك میکنیم که می‌فرمود: «شهادت، هنر مردان خداست.» به واقع سردار دل‌ها، هم مرد خدا و هم هنرمندی بی‌نظیر بود.

لحظه لحظه زندگیش با هنر خداشناسی و حضور در محضر پروردگار گذشت. رفتارهایش، سخنانش و عملکردش، گویای این هنرمندی بیدیل او بود. او صادق الوعد بود و هیچ گاه وعده‌ای نداد که به آن عمل نکند؛ چنانکه مردم نیز دیدند که وقتی وعده‌ای میداد، تا میتوانست عمل میکرد و حرفش را در قالب عمل، به نیکی بیان مینمود. رضای خدا و ولی خدا را در عمل به تکلیف میدانست و به اندازه‌ای به رهبر خود اعتماد و اطمینان داشت که بی‌چون و چرا از او اطاعت میکرد؛ زیرا او یک مؤمن واقعی بود. (رضاییان، زهرا، 1399، نگاهی به ویژگی‌های سردار مکتب ساز، نشریه ره توشه، شماره 38، ص 278)

9-4. بصیرت و درایت

یکی دیگر از مؤلفه‌های اخلاقی سردار سلیمانی، بصیرت ایشان بود که نمود جهانی و بیرونی داشت. بصیرتی که همواره اگر در خواص و بزرگان هر تاریخ به دنبالش بگردیم، ثمرات گرانبهایی را در پی خواهد داشت. قطعاً شخصی چون حاج قاسم که خود مجاهد راه حق علیه باطل بود، توانسته بود به گستره عظیمی از بصیرت و آگاهی تمیز حق و باطل دست یابد و دیگران را نیز با خویش همراه ساخته و در این خصوص امر به معروف و نهی از منکر انجام دهد.

حاج قاسم فرزند مکتب امام و پاسدار آن بود، زیرا اسلام را در این برهه، تداعی یافته در انقلاب میدید و خوب میدانست که پایگاه کنونی اسلام ناب، مکتب امام و جمهوری اسلامی است. به همین دلیل هم در حفظ و حراستش میکوشید و بدین کار تشویق میکرد. حاج قاسم، قدر مکتب امام را تا پای جان دانست و وجود نفیسیش را نثار پاسداری از آن کرد. اگر تعداد به ظاهر معدودی از فرزندان مجاهد حضرت روح الله با امکاناتی بسیار محدود و اندک بتوانند هیمنه ظاهری نظام استعمار را بشکنند و میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری طاغوت‌های زمانه را بی‌اثر سازند و مهم‌تر از آن، قادرند باعث تحول روحی و معنوی گسترده و عمیق میلیون‌ها انسان شوند و نسیم خوش و دلربای توحید و عطر و بوی معنویت ناب و عمیق و فطری را در جوامع مختلف به وزیدن درآورند و موجب همگرایی و اتحاد طیف‌های وسیع ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی در راستای مبارزه با جبهه باطل شوند یکی از آن برجستگان حاج قاسم سلیمانی است؛ پس باید گفت که اگر این مکتب به درستی شناخته شود و از ظرفیتها و امکانات عظیم نتیجه آن استفاده شود، برپایی و اقامه تمدن نوین اسلامی و بلکه انشاءالله ظهور منجی بشریت

خواهد بود. (هلالیان، 1399، نشریه پاسدار اسلام، شماره 465 و 466، ص 55-57) در این صورت است که خود را چون سردار دلا با بصیرت و درایتی عمیق خواهیم یافت.

10-4. ساده زیستی

دوری از تجملات و تشریفات ظاهری دنیا، شیوه پیامبران و اولیاء الهی و بندگان خاص خداست که فطرت آدمی را پرفروغ، و زمینه رشد فطری و دینباوری را تقویت میکند. هنگامی که امام علی(ع) فرموده است: "کسی که در دنیا زهد را پیشه خود سازد، قدرت و ثروت، چشم دل و بصیرت آدمی را خاموش میکند و فهم صحیح را از او میگیرد و دین خود را حفظ میکند. اما زهد و ساده زیستی موجب حقپذیری، حقپرستی و آخرتخواهی و بزرگترین عامل رشد دنیوی و اخروی است؛ زیرا انسان زاهد، حق را میپذیرد و به حق عمل میکند. (نهج البلاغه، دشتی، ۱۳۸۴، ۲۸۶)

شهید حاج قاسم سلیمانی انسان وارسته و زاهد پیشهای بود که هیچگاه به دنبال پُست و مقامهای دنیوی نبود و اگرچه میتوانست با استفاده از موقعیت و جایگاه خود امکانات رفاهی فراوانی را برای خود و خانوادهاش فراهم کند، اما سادهزیستی و نزدیکبودن به عامه مردم را برگزید. سردار سلیمانی، انسانی از دنیا بریده و آخرت گرا بود. حضور پیوسته و مداوم او در میدان جهاد و شهادت حاکی از این است که وی از دنیا دل کنده بود و تعلقی به دنیا و آنچه در آن وجود دارد، نداشت و خود را برای حضور در محضر پروردگار از طریق شهادت آماده کرده بود. از همین رو بود که وقتی به او پیشنهاد کردند که نامزد انتخابات ریاست جمهوری شود گفته بود: «من نامزد گلولهها هستم.» به دنبال هیچ پست و مقام دنیایی نبود، همه زندگیش مانند مردم ساده و بیآلایش بود و عمل و رفتارش بیمانند بود و مثل او را پیدا نمیکردیم. (رضایان، 1399، نگاهی به ویژگیهای سردار مکتب ساز، نشریه ره توشه، شماره 38، ص 281-282)

4-11. مطیع ولایت فقیه و خصلت انقلابگری

بنابر آموزههای ارزشی مذهب تشیع و نیز سیره اهل بیت(ع) در برخورد با افراد و احزاب مخالف، به جای دافعه و تنش و انتقام گیری، باید با آنان مدارا و ارتباطگیری نمود. متأسفانه این شیوه اصل فراموش شده جامعه امروز ماست. بنابر همین اصل، شهید سلیمانی فرماندهای بود که میکوشید در عین صلابت تا جایی که به ارزشها و مقدسات خدشه و لطمهای وارد نشود، در برابر دشمنان خارجی و مخالفان داخلی مدارا کند. این عقیده

راسخ او در فرازهایی از وصیتنامه این قهرمان بینالمللی به زیبایی تجلّی یافته است. (نادم، 1400، پیوند حماسه و عرفان در سیره و مکتب حاج قاسم سلیمانی، مجله تخصصی ویژه مبلغان، شماره 48، ص 71-70) آنجا که خطاب به گروهها و احزاب سیاسی مینویسد:

«نکتهای خطاب به سیاسیون کشورم دارم، چه آنهایی که اصلاح طلب خود را مینامند و چه آنهایی که اصولگرا. آنچه پیوسته در رنج بودهام، اینکه عموماً ما در دو مقطع، خدا، قرآن و ارزشها را فراموش میکنیم، بلکه فدا میکنیم. عزیزان، هر رقابتی که با هم میکنید و هر جدلی با هم دارید، اما اگر عمل شما و کلام شما یا مناظرههایتان به نحوی تضعیف کننده دین و انقلاب بود، بدانید شما مغضوب نبی مکرم اسلام(ص) و شهدای این راه هستید. مرزهای دینی و انقلابی را تفکیک کنید؛ اگر میخواهید با هم باشید شرط با هم بودن، توافق و بیان صریح حول اصول است. (خبرگزاری فارس، فرازی از وصیت نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی خطاب به جریانهای سیاسی کشور، 25/11/1389، کد خبر: 13891104000561)

عجین شدن این روحیه عرفانی و حماسی شهید سلیمانی، در صحنههای مختلف سیاسی و نظامی، از او شخصیتی ساخته بود که در زمین هیچ جناحی بازی نمیکرد و تنها ملاک و اصل مورد قبول او «انقلابیگری» بود. امام خامنهای درباره شخصیت فرا جناحی شهید سلیمانی فرموده است: «او اهل حزب نبود، اما ذوب در انقلاب بود. انقلابیگری خط قرمز او بود. در این عوالم، تقسیم به احزاب گوناگون و اسمهای مختلف و جناحهای مختلف و مانند اینها نبود، اما در عالم انقلابیگری چرا، به شدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل بود.» (بیانات در دیدار مردم قم، 18/10/1398)

5. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به برخی مؤلفه‌های شخصیت فردی در اخلاقیات سردار دلها شهید سلیمانی اشاره شد که اگر انسانی با چنین روح بلندی، وجهه محبوب و اثرگذار جهانی به یادگار باقی میگذارد، به دلیل تلاش و کوشش در سازندگی و خودسازی در عرصه‌های فردی خویش در ارتباط با خود و خدای خود بوده است. ایمان و تقوا گام بلندی برای عملکردن و جهتگیری در راه خدا خواهد بود و سردار سلیمانی با رعایت تقوا و ایمان به چنین مرحله‌ای رسیده بود. هرچند که ایمان او تنها به عبادتهای آشکار او خلاصه نمیشد و توکل و استمداد او عامل نیروبخش او در گام نهادن به سوی این چنین

مسیرهای صعب العبوری بود. در بحث خوش اخلاقی و خوش رویی زیانزد خانواده و اطرفیان و حتی سربازان و زیردستان خویش است چرا که انسان ایمانی، خوب میداند که رضایت پروردگار با رضایت مردم همراه است. در نگاه عاجزانه و مخلصانه‌ای که به اهل بیت و ائمه اطهار(ع) دارد و خود را نوکر و مرید آنان میداند و از اینرو است که مسأله ولی فقیه برای او نمودی پررنگ و پراهمیت دارد و از توسل به اهل بیت(ع) به استمداد و یاریگری نائب آنان و رهبری دارد و آن را شعار خویش و رمز پایبندی به نظام اسلامی میداند. در باب ایمان به خدا به ارکان بزرگی چون اخلاص پایبند است و از رفتار پسندیده‌اش دوری از هرگونه ریا و عجب و غرور است که مبادا دامنگیرش شود و هر لحظه خود را در محضر خدا میبیند تا مگر دچار خطایی نشود. از دیگر مؤلفه‌های اخلاق فردی ایشان همین بس که ساده زیست بود و از هرگونه تجملاتی که راه را برای قرب الی الله میبست دوری میکرد و امثال چنین آدابی را در خانواده خویش نیز بنا نهاده بود. با تکیه و وفاداری محض به مقام ولایت فقیه بود که هیچگاه در دام باطل نیفتاد و با بصیرتی عمیق و یقینی راه حق را میپیمود و به راحتی این دو را از هم متمایز میکرد. اهل سکوت بود و جز به دانسته‌هایش رفتار نمیکرد و جز در مواقع نیاز و براساس دانایی سخن میگفت و اگر در حوزه‌ای اطلاعی نداشت، لب به سخن باز نمیکرد. از سربلندی و عزت نفسش همین بس که عزیز و محبوب تمامی مظلومین عالم بود و خود را ذلیل نمیکرد و به سربلندی کشور و اسلام میاندیشید. آزادمردی بود که ظلم در هر کجا برایش گران و ثقیل بود و در راه دفاع از مظلوم لحظه‌ای درنگ و خوف به خود راه نمیداد. قطعاً شکلگیری شخصیتی چنین عظیم با خودسازی در عرصه‌های مختلف اخلاق فردی همراه بوده که چنین ثمراتی داشته است. باشد که انشاءالله راه-گشای تمامی امتها گردد.

6. منابع و مآخذ

۱. حسینی، سیدجواد، (۱۳۹۹)، راز محبوبیت و جهانی شدن سردار سلیمانی، نشریه مبلغان، شماره ۲۵۹.
۲. حمله‌داری نجف‌آبادی، سعید، (۱۳۷۹)، عوامل ساخت اصلاح شخصیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری براساس رویکردهای معاصر.
۳. خبرگزاری تحلیلی ایران، (۱۳۹۹)، دست نوشته‌های تازه منتشر شده سردار سلیمانی در رابطه با محرم، کد خبر ۱۳۹۴۲۶۶.
۴. خبرگزاری دانشجویان ایران، (۱۳۹۷)، اعتراف مأمور سابق FBI درباره سردار سلیمانی.
۵. خبرگزاری فارس، (۱۳۸۹)، فرازی از وصیت نامه سردار سلیمانی خطاب به جریانهای سیاسی کشور، کد خبر: ۱۳۸۹۱۱۲۵.
۶. دشتی، محمد، (۱۳۸۴)، نهج‌البلاغه، قم؛ ماندگار.
۷. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۹۴)، سبک زندگی نهج‌البلاغه سیره شناسی، تهران: نوآوران سینا.
۸. دهخدا، علیاکبر، (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۹. رضاییان، زهرا، (۱۳۹۹)، نگاهی به ویژه‌های سردار مکتب‌ساز سردار سلیمانی، نشریه ره توشه، ش ۳۸.
۱۰. زمردیان، خدیجه، کیانی، سمیه و شمخانی، مریم، (۱۳۹۹)، الگوی سبک زندگی شهید سلیمانی در عرصه دینداری و سیاست، همایش ملی ادبیات مقاومت، دوره ۲.
۱۱. علیقلی، امیرحسین، (۱۳۹۲)، سیمای پیامبر اعظم (ص)، تهران: پلیکان.
۱۲. کاوه، ناصر، (۱۳۹۸)، من قاسم سلیمانی هستم سرباز ولایت، تهران: پلیکان.
۱۳. کمیل‌مهدی، محمد، (۱۳۹۹)، نشریه نورالمصطفی، شماره ۱۱.
۱۴. محمدی، مهین، (۱۳۹۸)، اخلاق فردی و اجتماعی حضرت محمد (ص).
۱۵. مظاهری، حسین، (۱۳۸۳)، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شؤون حکمت عملی، تهران: ایران.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۷)، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. موسوی، سیدمحمد، (۱۳۹۸)، نشریه مطالعات بیداری اسلامی، شماره ۱۵.
۱۸. نادم، محمدباقر، (۱۴۰۰)، پیوند حماسه و عرفان در سیره و مکتب حاج قاسم سلیمانی، مجله تخصصی ویژه مبلغان، شماره ۴۸.

۱۹. هلالیان، سعید، (۱۳۹۹)، نشریه پاسدار اسلام، شماره ۴۶۵-۴۶۶.